

نقد و بررسی : فرارز سعودی

نظری بر فهرست سرعنوانهای موضوعی فارسی کتابخانه ملی ایران

کتاب «سرعنوانهای موضوعی فارسی»^۱ حاوی مقدمه نسبتاً مفصلی است که ضمن بیان روش و هدف از استفاده سرعنوانها، مطالبی در باب تاریخچه تدوین سرعنوانها و مسائل و مشکلات آن بیان می‌دارد.

ویرایش اول این کتاب در ۶۵ صفحه به علاوه ۸ صفحه فهرست انگلیسی به فارسی و ۱۰۱ صفحه مقدمه تنظیم شده است و هدف آن مانند سایر فهرستهای سرعنوان موضوعی در زبانهای مختلف، تدوین فهرستی از موضوعات در زبان فارسی است که به شکلی استاندارد و یکدست و با توجه به ضوابط و معیارهای عام سرعنوانهای موضوعی، انجام شده باشد. کاربرد اصلی این سرعنوانها، در حوزه علوم کتابداری و به منظور راهنمایی فهرست‌نویسان است تا با عنایت به آن بتوانند مجموعه‌های کتابخانه‌ها را، از لحاظ موضوعی، به شکلی نظم یافته، سامان بخشند.

کار جمع‌آوری و تدوین فهرست در اصل از سال ۱۳۴۸ و در مرکز خدمات کتابداری آغاز شده و نتیجه کار پس از ویرایش نهایی در سال ۱۳۶۲، توسط کتابخانه ملی ایران منتشر گردید. پیش از انتشار این فهرست، کتابداران غالباً از فهرستهای موجود در زبانهای دیگر و بیشتر از همه از «سرعنوانهای موضوعی کتابخانه کنگره آمریکا»^۲ و «فهرست سرعنوانهای موضوعی سیرز»^۳ که هر دو به زبان انگلیسی است، استفاده می‌کردند طبیعی بود که این فهرستها به هیچوجه نمی‌توانستند نیازهای فهرست‌نویسی کتابهای فارسی را برآورده سازند. فهارس فوق مبتنی بر پشتوانه انتشاراتی کشورهای آمریکا و انگلیسی زبان تهیه شده بود، اختصاصات زبان فارسی و موضوعات

۱. سرعنوانهای موضوعی فارسی. - ویرایش پوری سلطانی و کامران فانی - تهران:

کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۲

2. **Libray ef congress subject Headings** .- washington, Library of congress, [Various editions].

3. Sears, Minnie. **Sears list of subjectheadings** . Newyork: H. W. Wilson. [Various Editions].

خاص نوشته‌های فارسی، بویژه در زمینه ادبیات فارسی، تاریخ ایران و دین اسلام نمی‌توانستند با اتکاء به فهرستهای مذکور در نظر گرفته شوند. از آن گذشته، فهرست‌نویسان و کتابداران هریک با طرز نگرش خود و با سلیقه خود از این فهرستها استفاده می‌کردند و در نتیجه همواره عدم یکدستی و ناهماهنگی حتی در فهرست موضوعی یک کتابخانه واحد نیز وجود داشت چه رسد به چند کتابخانه.

بنابراین تدوین فهرستی جامع از سرعنوانهای موضوعی فارسی، همواره یکی از دل‌شغولیهای کتابداران و صاحب‌نظران ایرانی بوده است. در سال ۱۳۴۵ دکتر هوشنگ اعلم، مقدسه سرعنوانهای موضوعی سیرز را که خود راهنمایی بود برای تدوین فهرست موضوعی، ترجمه نمودند.^۱ در سال ۱۳۴۸، نمونه سرعنوانهای موضوعی توسط پوری سلطانی در مرکز آماده‌سازی کتاب به چاپ رسید.^۲ در سال ۱۳۴۹، دو مقاله توسط ایرج افشار و هوشنگ اعلم در این زمینه منتشر شد.^۳ در سال ۱۳۵۲ مجدداً مقاله‌ای از ایرج افشار^۴ و یک مقاله از حسین بنی‌آدم^۵ نگاشته و منتشر شد. در همین سال رساله دکترای هوشنگ ابرامی در دانشگاه پیتسبورگ، توسط انتشارات دانشگاه تهران چاپ و منتشر گردید^۶ و دکتر عباس حری فهرست کوچکی از سرعنوانهای موضوعی فارسی انتشار دادند.^۷

۱. سیرز. «تدوین فهرست موضوعی»، ترجمه هوشنگ اعلم. کتابداری، دفتر اول (۱۳۴۵)

ص ۵-۳۷.

۲. سلطانی، پوری. نمونه سرعنوانهای موضوعی. - تهران: مرکز آماده‌سازی کتاب،

۱۳۴۸.

۳. افشار، ایرج. «یادداشتی در باره سرعنوان موضوعی فارسی» کتابداری، دوره ۳

(۱۳۴۹) ص ۱۷۹-۱۹۱.

۴. اعلم، هوشنگ: «راهنمای اجمالی برای سرعنوانهای موضوعی» کتابداری، دفتر ۳

(۱۳۴۹) ص ۲۰۱-۲۰۸.

۵. افشار، ایرج. «سرعنوان فارسی و معیارهای جهانی» کتابداری، دفتر ۴ (۱۳۵۲)

ص ۹-۱۴.

۶. بنی‌آدم، حسین. «سرعنوان موضوعی برای آثار فارسی» کتابداری، دفتر ۴ (۱۳۵۲)

ص ۱۶۳-۳۷۸.

۷. ابرامی، هوشنگ. اصول تدوین فهرست موضوعی در نوشته‌های زبان فارسی. -

تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.

۸. حری، عباس. فهرست کوچک سرعنوانهای موضوعی. - تهران: انجمن

کتابداران ایران، ۱۳۵۲.

خانم پروین دخت جناب زاده نیز در سال ۱۳۵۸ در همین رابطه مقاله‌ای به چاپ رساندند^۹. غیر از اینها نوشته‌های دیگری پدید آمد که مجموعه آنها، مشکلات و مسائل نبود فهرست خاص سرعنوانهای موضوعی فارسی و یا توصیه‌ها و راهنمایی‌هایی را در این زمینه ارائه می‌دادند.

فهرست سرعنوانهای موضوعی فارسی مرکز خدمات کتابداری - کتابخانه ملی ایران، کودکی بود که دوران جنینی تا تولد خود را همراه این توصیه‌ها و راهنمودها و مسائل و مشکلات طی کرد و بالاخره در سال ۱۳۶۲، متولد گردید و اکنون که اولین ضمیمه آن نیز منتشر شده، می‌رود تا به جوان برومندی در عرصه ادبیات کتابداری این سرزبوم تبدیل شود.

بدیهی است فهرستی که کار جمع‌آوری فیش‌های آن ۱۴ سال به طول کشیده باشد و افراد گوناگونی از اولین سالها در تهیه این فیش‌ها دست داشته باشند، نیازمند ویرایشگران چیره‌دستی خواهد بود تا بتوانند با حوصله و علاقمندی و دقت و وسواس علمی، کار هماهنگی و یک دستی (این اصل اساسی تدوین فهرستهای موضوعی) را به نحو احسن در فهرست عملی گردانند و برآستی که ویرایشگران عالم و مجرب، پوری سلطانی و کامران فانی، با همکاری سایر تلاشگران در کتابخانه ملی، به خوبی از عهده این سهم برآمده‌اند و جز این نیز انتظاری نمی‌رود.

اما نقد و بررسی فهرستی این چنین، بواسطه ظرافتها و تخصصهایی که در آن بکار رفته است و به علاوه حجم نسبتاً زیادی از موضوعات و مراجعات، کاری سهل نیست و سردی کهن می‌خواهد و حوصله‌ای درخور و اسید است صاحب‌نظری فاضل این سهم را به انجام رساند. لیکن اینجانب بواسطه آنکه همچون بسیاری از فهرست‌نویسان در سراسر کشور، با این فهرست کار کرده و مشکلات خود را توسط آن حل کرده‌ام، به نکاتی برخورده‌ام که لازم می‌دانم آنها را به عزیزان ویرایشگر تقدیم نمایم تا بررسی شود و چنانچه مقبول باشد، در ویرایشهای بعدی منظور شود.

فهرست* مجموعاً حاوی ۳۶۳۱ سرعنوان موضوعی پذیرفته شده و انتخاب شده می‌باشد** از این تعداد، ۸۱ سرعنوان به شکل مقلوب به کار رفته است، یعنی کمتر از ۲/۵ درصد. با توجه به اینکه در تدوین فهرستهای موضوعی، نزدیکی به زبان طبیعی از اصول اساسی می‌باشد، تعداد اندک ۸۱ سرعنوان مقلوب در فهرست از مزایای آن محسوب می‌شود. از رقم کلی پیش

۹، جناب زاده، پروین دخت. «مشکلات فهرستنویسی آثار فارسی در زبانهای خارجی»

کتابداری، دفتر ۷، ش ۲۱ (۱۳۵۸) ص ۶۰-۶۵.

* از این پس هر جا کلمه فهرست به تنهایی به کار رود منظور همان فهرست سرعنوانهای موضوعی فارسی است.

** ارقام داده شده مربوط به متن اصلی است و ضمیمه را در بر نمی‌گیرد.

گفته ، تعداد . ۳۵ سرعنوان نیز ، توسط تدوین کنندگان ساخته شده و در فهرست گنجانده شده است. این . ۳۵ سرعنوان ، در فهرست کتابخانه کنگره ، که اساس کار فهرست بوده ، نیامده است. سرعنوانهای مورد نظر بیشتر در زمینه تاریخ ایران ، ادبیات فارسی ، زبان فارسی و دین اسلام است .

مترادفها و واژه‌های فارسی یا خارجی:

فهرست برای انتخاب مترادفها اصل مشخص و محکم را ارائه نمی‌دهد. در صفحه چهارده مقدمه مطرح شده که سلاک برای انتخاب ترم اصلح ، تداول در نزد اهل فن است. اما خود «تداول در نزد اهل فن» معیاری کلی و دست‌نیافتنی است. همچنین است در مورد معادل‌های خارجی که در صفحه پانزده مقدمه اشاره شده که اصل رایج بودن و فارسی بودن جابه‌جاسلاک قرار گرفته است و این خود در بافت سرعنوانها ناهماهنگی ایجاد کرده است. مثلاً معلوم نیست به چه علت از دو موضوع کاردیوگرافی به معنی قلب‌نگاری و کار دیولوژی به معنی قلب‌شناسی ، برای یکی کاردیوگرافی و برای دیگری قلب‌شناسی انتخاب شده است. این امر فهرست را هرچه بیشتر به یک فهرست کنترل شده* تبدیل کرده و از ارائه اصول تهیه سرعنوان بازمی‌دارد.

ویژگی:

در تعریف ویژگی در مقدمه ، ص شائزده ، آمده است که : ویژگی (فهرست) جنبه دارد یکی اینکه سرعنوان باید اخص باشد و دیگر اینکه این واژه مستقیم و بیواسطه در شناسه قرار بگیرد. در توضیح مستقیم یا بیواسطه بودن آمده است: «بنا بر هدفی که برای سرعنوان موضوعی در نظر گرفته شده است سرعنوانها باید مستقیم باشد یعنی جستجوکننده بدون واسطه موضوعهای دیگر به موضوع مورد نظر خود برسد نه با واسطه موضوعهای کلی‌تر». اما علیرغم این توضیحات ، در فهرست به موضوعاتی برخورد می‌شود که دسترسی به آنها از طریق سلسله مراتب موضوعیشان امکان‌پذیر است. این مطلب بخصوص در مورد موضوعات اسلام و تاریخ ایران صدق دارد. به عنوان مثال اگر کسی به دنبال موضوع جنگ ایران و روس باشد، بایستی در فهرست آنرا زیر این موضوع جستجو کند: ایران - تاریخ - قاجاریان - جنگ با روسیه ، ۱۲۱۸-۱۲۴۳ ق .

و این در حالی است که حلقه واسط «جنگها» را در زنجیر قرار نداده‌ایم و قرار نگرفتن آنها غیر اصولی است والا در اصل موضوع فوق را بایستی در این خط زنجیر جستجو کرد:

ایران - تاریخ - قاجاریان - جنگها - جنگ با روسیه ، ۱۲۱۸ - ۱۲۴۳ ق

در همین زمینه ، نقش سازمان اطلاعاتی در جنگ ایران و روس به این شکل آمده است:
 ایران - تاریخ - قاجاریان - جنگها - جنگ باروسیه ، ۱۲۱۸ - ۱۲۴۳ ق. - سازمان
 اطلاعاتی و اگر جوینده‌ای موضوع نقش آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد را بخواهد ، بایستی آنرا
 به شکل زیر جستجو کند :

ایران - تاریخ - پهلوی - کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - دخالت ایالات متحده و همچنین
 است موضوع انقلاب مشروطه و روحانیت :

ایران - تاریخ - انقلاب مشروطه ، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ ق. - روحانیت.
 در مورد جنبه دیگر ویژگی یعنی اخص بودن موضوع ، اگرچه همانگونه که در مقدمه
 کتاب آمده (ص هیجده) کتاب در دست فهرست خود حداخص بودن موضوع را تعیین می‌کند
 اما وظیفه فهرست سرعنوانها نیز اینستکه تا حد ممکن این موضوعات اخص را در سرعنوانها
 گنجانده باشد تا دست فهرستنویس در انتخاب موضوعات اخص و اعم باز باشد. از طرفی نکته‌ای
 از سوی تدوین کنندگان در این مورد مطرح گردیده که کاسلا بجاست و آن اینستکه : «اخص
 مطلوب بستگی بسیار به وضع کتابخانه و جماعتی دارد که فهرست موضوعی برای برآوردن
 نیازهایشان تدوین می‌شود. و بدیهی است که نیاز یک کتابخانه تخصصی مثلا در کارخانه
 آلومینیوم سازی بانیاز مراجعان به یک کتابخانه عمومی سرگذر بسیار متفاوت است. با اینهمه وقتی
 کتابخانه سلی دست به تدوین سرعنوانهای موضوعی می‌زند وضع فرق می‌کند ، زیرا این
 سرعنوانها هم باید نیاز کتابخانه سلی را که طیفهای مختلفی از افراد از آن استفاده می‌کنند برآورد ،
 و هم نیاز کتابخانه‌های دیگر را که از این سرعنوانها حداقل به عنوان الگو و مدل استفاده خواهند
 کرد» . (ص . هیجده) . همین استفاده کنندگان کتابخانه سلی که طیفهای مختلفی را تشکیل
 می‌دهند موجب می‌شود که موضوعات از لحاظ درجه اخص بودن ، به حد متوسطی در نظر گرفته
 شوند و اینجاست که همان کتابخانه مثلا کارخانه آلومینیوم سازی با مشکل کمبود و یا نبود
 سرعنوانهای اخص در فهرست مواجه می‌شود. برای رفع این نقیصه ، یکی از کارهایی که کتابخانه
 سلی می‌تواند انجام دهد ، تدوین و تهیه سرعنوانهای رشته‌ای یا تخصصی است. این عمل با
 تشکیل کمیته‌های تخصصی امکان پذیر است. در این صورت می‌توان فهرستی برای سرعنوانهای
 موضوعی علوم خالص ، پزشکی ، کشاورزی ، علوم اسلامی و غیره تدوین نمود. یعنی همان راه
 حلی که هم اکنون در کشورهایی که سابقه طولانی تری در تدوین سرعنوانهای موضوعی دارند
 انجام می‌گیرد: کتابخانه سلی می‌تواند با همکاری نهادهایی چون دانشگاه تهران و دانشگاه علوم
 پزشکی ، موسسه تحقیقات کشاورزی ، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی وزارت برنامه و بودجه
 و... به این مهم توفیق یابد.

توضیحات و یادداشتهای ذیل موضوعات :

یکی از محاسن فهرست ، توضیحات و یادداشتهایی است که ذیل بعضی موضوعات آمده است. این یادداشتهای معمولاً حدود و ثغور موضوع را مشخص می کنند یا نحوه بکار بردنشان را و یا سواردی را که این موضوع بایستی بکار رود. همچنین گاهی این یادداشتهای جنبه دستورالعمل دارد و یا راهنمایی است برای بکاربردن موضوعات مشابه. اما در این زمینه اشکالاتی نیز به فهرست وارد است: نخست آنکه در بعضی موارد یادداشت توضیحی لازم بوده که نیامده است. مثلاً زیر موضوع موسیقی اسلامی هیچ توضیحی مبنی بر اینکه منظور از موسیقی اسلامی چیست نیامده است. ارجاعات ذیل این موضوع نشان می دهد که موسیقی اسلامی چیزی است متفاوت با، مثلاً اسلام و موسیقی یا موسیقی عربی. اما در مورد اینکه این موضوع را چه موقع باید به کاربرد چیزی نیامده است. همچنین است درباره موضوعات فهرست نویسی قرآن ، اقتصاد بین الصنایع و موارد دیگر و این در حالتی است که فهرست در مورد بعضی از موضوعات دیگر حتی تعریف آنها را بدست داده است. مثلاً ذیل موضوع اقطاع این توضیح آمده است : تخصیص قطعات کوچک زمین به دهقان یا کارگر به منظور کشاورزی و اسرار معاش .

توضیحات ذیل بعضی موضوعات نیز ناکافی است. مثلاً ذیل موضوع اقلیتها توضیح داده شده که : کتابهای مربوط به احوال و شرایط، حمایت ، حقوق و غیره اقلیتها را ، اعم از مذهبی ، نژادی و غیره در اینجا وارد کنید. اما یادداشت نمی گوید اقلیتهای مذهبی و ملی ساکن هر کشور به چه شکلی موضوع قرار می گیرند. در این مورد حداقل می شد خواننده را به مطالعه یادداشت ذیل موضوع مهاجرت راهنمایی کرد. همچنین است یادداشت مربوط به موضوع مجموعه ها. در این توضیح ، کاربرد تقسیم فرعی مجموعه ها در ۳ مورد مطرح می شود که همگی موارد مربوط به موضوعات خاص است و درباره اینکه اگر اثر مجموعه ای باشد از موضوعات مختلف، دستورالعملی ارائه نگردیده است و حال آنکه مجموعه ها در اینجا مترادف کَشکول و جنگه گرفته شده است که لزوماً همیشه در یک موضوع نیست.

تقسیمات فرعی عام :

فهرست، تقسیمات فرعی عام را برخلاف سرعنوانهای موضوعی کتابخانه کنگره ، نه بطور یکجا، بلکه در ردیف الفبایی خود در سراسر متن قرار داده است. استدلال تدوین کنندگان اینستکه مراجعین به فهرست این تقسیمات را در محل الفبایی خود سریعتر و بهتر خواهند یافت و اگر این تقسیمات در یکجا فهرست شوند ، فهرست نویسان گاهی از خاطر می برند که به آن رجوع کنند. این احتمال درست است که رجوع به تقسیمات ممکن است فراموش شود لیکن نبایستی از نظر دور داشت که گرد آوردن تقسیمات فرعی عام در یک محل این حسن را دارد که تکلیف فهرست نویس

از لحاظ محل مراجعه معلوم است و با نگاهی سریع و گذرا می توان تقسیم فرعی مناسب را یافته و پس از چندبار مراجعه به فهرست، به تدریج این تقسیمات در ذهن نقش می بندد - در حالیکه وقتی تقسیمات فرعی در متن پراکنده هستند، فهرست نویس بایستی نخست ساخت تقسیم فرعی را دریابد تا بعد بتواند آنرا جستجو نماید. از آن گذشته هم اینک نیز، غیر از تقسیمات فرعی عام و غیر از مقدمه که حاوی بسیاری از نکات و دستورالعملهاست، جدول مختلف نیز، قبل از متن اصلی و به صورت یکجا قرار گرفته اند: تقسیمات فرعی شهرها، تقسیمات فرعی کشورها، گروه موضوعهایی که در متن نیامده اند ولی می توانند در صورت لزوم موضوع قرار گیرند، سرعنوانهای کلیدی و جدول علائم و نشانه های اختصاری بنابراین نمی توان به فرض فوق تکیه کرد و تقسیمات را در سراسر متن پراکنده ساخت. اشکال سرعنوانهای موضوعی کنگره هم در این نیست که چرا تقسیمات فرعی عام را در یکجا آورده است بلکه اشکال در اینست که این تقسیمات راتنها در ویرایش هشتم چاپ کرده است و اگر فهرست نویس با ویرایشهای دیگری کار کند با مشکل مواجه می شود.

قواعد جمع و مفرد:

در این مورد تدوین کنندگان ضمن برشمردن مشکلاتی که در ضبط جمع و مفرد موضوعات وجود دارد و به حق هم چنین است که بر شمرده اند - ضوابطی را که در کتابخانه ملی قرار داده شده ارائه داده اند و در آخر نیز توجه داده اند که اصل مهم اینست که هماهنگی و یکدستی حفظ شود و اگر شکلی از یک موضوع انتخاب شد همیشه همان شکل مورد استفاده قرار گیرد. اما گاهی موارد نقض این ضوابط مشاهده می شود، مانند بعضی از این موارد:

اصل اول توصیه می کند که حتی الامکان جمع فارسی بکار ببرید مگر اینکه بدلائلی مثل ایجاد تداخل در معنا یا غرابت، جمع عربی مرجح باشد. اما کمی پائینتر گفته شده که در فهرست بجای «منظره ها» مناظر و بجای «اختراعاها»، اختراعات بکار رفته است در صورتیکه تدوین کنندگان خود اذعان داشته اند که جمع های فارسی این موضوعات غرابت چندانی ندارد.

در مورد انداسهای بدن، ضابطه مطرح شده اینست که هر یک از ارگانها و انداسهای بدن که جمع است به صورت جمع بیاید مثل ریه ها، کلیه ها و غیره. اما بلافاصله بدون ذکر هیچ دلیلی گفته شده که لب و دندان از این قاعده مستثنی است و مفرد می آیند. در متن نیز غیر از لب و دندان چشم آمده نه چشمها و گوش آمده نه گوشها.

در بند ۶ گفته شده که انواع حیوانات را به صورت جمع بیاورید مثل بازها، سگها و غیره. اما گوسفندها به شکل مفرد یعنی گوسفند آمده است.

پروانه، مورچه و زنبور عسل، در تقسیمات جانورشناسی در یک رده یعنی رده حشرات

جای دارند ، در فهرست پروانه و مورچه به صورت جمع ولی زنبور عسل به شکل مفرد آمده است .
در بند ۱۰ گفته شده که حوادث طبیعی را مفرد بیاورید مثل سیل یا زلزله و غیره اما در
متن آتشفشانها آمده است .

در بند ۱۱ گفته شده که اشیاء و ابزارآلات را مفرد بیاورید مثل توپ (ورزش) ، لوله ،
گریدر . اما در متن اتوبوسها . ماشین های بخار ، ماشینهای برش ، ماشینهای الکترونیک ،
ترانزیستورها ، لامپهای برقی و آسولانسها آمده است .

در بند ۱۳ توصیه شده که گروههای مختلف مواد شیمیایی را به صورت جمع بیاورید
مثل اسیدها . اما در متن پلاستیک آمده و نه پلاستیکها ، رزین آمده و نه رزینها ، الکل آمده و نه
الکلها .

ارجاعات:

در فهرست از ۳ نوع ارجاع استفاده شده است:

الف- ارجاع از شکلی که انتخاب نشده به شکلی که انتخاب شده:

این نوع ارجاعات ، که در ضمن بیشترین ارجاعات را بخود اختصاص داده اند ، اصولاً
برای هماهنگ کردن موضوعات و انجام یکدستی در میان آنها به کار گرفته می شوند . این ارجاعات
یک حسن ضمنی نیز دارند و آن اینست که حضور مترادفات مختلف یک موضوع در ذیل آن ، به
فهم و آشنایی بیشتر آن موضوع کمک می کند . در این نوع ارجاعات طبعاً شکل مرجوع خود
نمی تواند سرعنوان محسوب شود ، اما در فهرست تواردی مشاهده می شود که اشکال مرجوع
خود بمثابة سرعنوان موضوعی بکار رفته اند مثلاً موضوع یخچال که ذیل موضوع سردسازی و
دستگاههای سردکننده ، در بخش مرجوعات آمده .

در متن ، خود سرعنوان موضوعی است . موضوع روابط اقتصادی خارجی به روابط
اقتصادی و اقتصاد بین الملل ارجاع داده شده است اما همین موضوع ، ذیل موضوع اقتصاد
بین الملل به این شکل به کار رفته است : خاورمیانه - روابط اقتصادی خارجی . ذیل موضوع
ایران که موضوع کلیدی برای کشورهاست ، تاریخ نظامی را به ایران - ارتش - تاریخ ارجاع
داده است اما همین موضوع یعنی تاریخ نظامی ذیل کشور اسرائیل بکار رفته است . همچنین
است امثال و حکم ذیل اندرزنامه های پهلوی .

بعضی ارجاعات در فهرست وجود ندارند مثل «بازار مشترک اروپا ، کشورهای» که ذیل
موضوع «اروپا - همبستگی اقتصادی» به کار رفته است .

بعضی موضوعات با ارجاعات پی در پی قابل دستیابی هستند و حال آنکه ارجاع بایستی
سیستیم و بیواسطه باشد مثلاً از موضوع سیاست به موضوع سیاست و حکومت ارجاع داده شده است

اما از موضوع سیاست و حکومت نیز به علوم سیاسی ارجاع داده شده است. البته غرض تدوین - کنندگان از این ارجاعات، راهنمایی خواننده به خواندن توضیحات ذیل هر یک از این موضوعات بوده است اما می شود هم از سیاست و هم از سیاست و حکومت به علوم سیاسی ارجاع داده شود و سپس تمام یادداشتها ذیل علوم سیاسی آورده شود.

از موضوع «ایران - سیر و سیاحت - مناظر» به ایران - مناظر ارجاع داده شده که درست نیست و همان موضوع «ایران - سیر و سیاحت - مناظر» بایستی به کار رود. درستی این موضوع ذیل موضوع مناظر به صورت یادداشت و دستورالعمل تصریح شده است. به جای آن ذیل موضوع ایران، تقسیم فرعی مناظر غلط است که بایستی به «ایران - سیر و سیاحت - مناظر» ارجاع داده شود.

از موضوع «رمضان» به موضوع روزه ارجاع داده شده است. درست تر آنست که هم موضوع رمضان و هم موضوع روزه در فهرست وجود داشته باشند زیرا کتابهای بسیاری نوشته شده است که راجع به ماه رمضان و فضایل آن است. صحیح نیست که تمام این کتابها زیر موضوع روزه جمع شوند.

اگرچه فهرست، برای هر موضوع ارجاعات محتمل نسبتاً زیادی در نظر گرفته است اما برخی ارجاعات ضروری نیز از قلم افتاده است. مثلاً بین داستان و قصه یا داستان نویسی و قصه نویسی هیچگونه ارجاعی وجود ندارد.

ب- ارجاعات کلی:

در مقدمه فهرست (ص شصت و یک گفته شده که: «ارجاعهای کلی در سرعنوانهای موضوعی فارسی عبارتند از: توضیحات و دستوراتی کلی که به خواننده یا فهرست نویس داده می شود او از این طریق استفاده از سرعنوانها را مجاز می سازد یا محدود و موضوع را روشن می نماید» سپس با ذکر مثالی در این زمینه، تصریح شده است که این ارجاعات کلی صرفاً به خاطر صرفه جویی است زیرا دیگر نیازی به تذکار همه موارد مشمول، در محل الفبایی خود نیست. این اصل درستی است و از حجیم نمودن فهرست سرعنوانها جلوگیری می کند اما علیرغم این اصل و علیرغم وجود جدول سرعنوانهایی که می توانند موضوع قرار بگیرند در صفحات قبل از متن، تعداد زیادی از همین مواردی که مشمول یک قاعده کلی قرار می گیرند خود در فهرست ظاهر شده اند. طبق شمارشی که نگارنده انجام داده است، ۱۱ سرعنوان از این دست هستند و حال آنکه گروههایی از موضوعات که این ۱۱ موضوع بدانها تعلق دارد، تنها ۲۳ گروه است. این ۲۳ گروه به شرح زیر هستند:

۱. مثل امویان، عباسیان

۱. سلسله های حکومتی

۲. مثل قرآن، اوستا

۲. کتابهای مقدس

اوگاندا، لهستان	مثل	۳. کشورها
شاهسون ، بختیاری	مثل	۴. ایلات و عشایر
ریال ، دلار	مثل	۵. ارزها
غدیر خم	مثل	۶. اعیاد
آبادان ، آتن	مثل	۷. شهرها
سل، تراخم	مثل	۸. بیماریها
آذربایجان	مثل	۹. استانها
آریائیان ، اعراب	مثل	۱۰. اقوام و ملیتها
آسپیرین	مثل	۱۱. داروها
آستان قدس رضوی، دادگاه بین المللی لاهه	مثل	۱۲. سازمانها
آسیا	مثل	۱۳. قاره‌ها
استادیوم ورزشی شهید تختی، حسینیه ارشاد	مثل	۱۴. اماکن
ابراهیم ، داوود ،	مثل	۱۵. شخصیتها
اخوان الصفا	مثل	۱۶. هیئتها
خلیج فارس ، اقیانوس آرام	مثل	۱۷. عوارض طبیعی
دب اکبر	مثل	۱۸. صورتهای فلکی
سخن	مثل	۱۹. نشریات
قضیه فیثاغورس	مثل	۲۰. قوانین علمی
مثنوی مولوی	مثل	۲۱. کتابها
هذیل	مثل	۲۲. قبایل
جنگ ژولند ، جنگ ویتنام	مثل	۲۳. جنگها

همانگونه که ملاحظه می‌شود این گروهها ، اسامی خاص را دربر می‌گیرد و این ۴۱۱ سرعنوان، موضوعاتی هستند که از اسم خاص تشکیل شده‌اند. اگر بخواهیم موضوعات دیگری که آنها نیز اگرچه خاص نیستند اما می‌توانند در گروههای موضوعی قرار گیرند محاسبه کنیم ، رقم فوق بسیار بیش از اینها خواهد بود. به عنوان مثال این گروهها به حساب نیامده‌اند:

درختان و گیاهان	مثل	سیب ، انار ، آفتابگردان
فرقه‌ها	مثل	اباضیه ، اسماعیلیه
گویشها	مثل	شوشتری ، گیلکی
جانوران	مثل	قناری ، ماربوآ
اندامها وجوارح	مثل	چشم ، لب ، کلیه

محصولات کشاورزی	مثل گندم ، چغندر
سازها	مثل ویولن ، تار
گلها	مثل میخک ، گل سرخ
عناصر	مثل آهن ، هیدروژن

به نظر میرسد که تدوین کنندگان فهرست در تصمیم گیری نسبت به وارد کردن یا نکردن این دسته از سرعنوانها دچار تردید بوده اند زیرا از یکسو همانگونه که گفته شد در ابتدای فهرست، تحت عنوان گروههایی موضوعی که در متن نیامده اند ولی می توانند در صورت لزوم موضوع قرار بگیرند ، ۱۲ گروه را نام برده اند و از سوی دیگر با اقامه این دلیل که فهرستهای مستند نامهای مختلف جغرافیایی ، سازمانی و غیره در زبان فارسی وجود ندارد، برخی از اعضاء این گروهها را در سرعنوان وارد کرده اند .

ج. ارجاعات نیزنگاه کنید .

از آنجا که موضوعات گروهی از فهرستهای سرعنوان موضوعی ، از جمله فهرست مورد بحث ، به صورت الفبایی مرتب می شوند، دسته ای از موضوعات که ارتباط محتوایی بین آنها وجود دارد، در سراسر متن پراکنده می شوند. تدوین کنندگان این سرعنوانها ، به منظور از میان برداشتن این نقص ، ذیل هر موضوع ، تمامی موضوعاتی را که به نحوی با آن مرتبطند، گرد می آورند. پیش فرض این مسئله اینست که ممکن است ذهن جوینده متوجه یکایک این موضوعات در محل القیایی خود نشود. ارتباط موضوعات با یکدیگر ممکن است یکی از این ۳ حالت باشد:

یک. کلی تر از موضوع

دو. جزئی تر از موضوع

سه . همطراز با موضوع

در باب اینکه چه نوع از این ارجاعات سه گانه و تا چه میزان ضرورت به کارگیری در فهرستها دارد، بحثهای فراوانی انجام گرفته است. چارلز امی کاتر* از پیشکسوتان علوم کتابداری، ارجاع به موضوع جزئی تر را لازم و ارجاع به موضوع کلی تر را غیر لازم می داند. وی بر بنای مطالعات روانشناختی جویندگان چنین نتیجه گیری می کند که معمولا جویندگان موضوع کلی تری از موضوع مورد نظر خود را در فهرست جستجو می کنند و به همین دلیل لازم است ذیل موضوع

* Charles Ammi cutter (1837 - 1993)

مورد جستجو، موضوعات جزئی تر نیز به جوینده یادآوری و ارائه گردد، بلکه یک یا چند موضوع از این موضوعات جزئی تر در اصل مورد نظر جوینده باشد.

به هر حال صرف نظر از این مطلب که بکار بردن این ارجاعات تاچه اندازه ضروریست و با تأیید فرض ضرورت هر سه این ارجاعات، به بررسی فهرست پرداخته می شود.

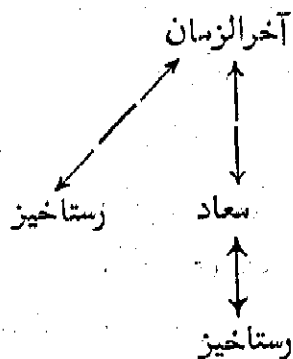
هنگامیکه از برقراری ارتباط بین موضوعات بک فهرست سخن به میان می آید، در واقع درباره نوعی شبکه موضوعی بحث می شود و هنگامی که بحث شبکه مطرح می گردد، انتظار می رود ویژگیهای مربوط به شبکه ها در نظر گرفته شده باشند. مسائلی چون ارتباط منطقی بین عناصر، رعایت سلسله مراتب هماهنگی و یکدستی، ارتباطات چند جانبه و ارتباط پذیری هر یک از عناصر و اعضاء تشکیل دهنده شبکه. اشکالاتی که در میان سیستم ارجاعات فهرست مشاهده می شوند به اختصار به شرح زیر هستند:

۱- هم جزئی و هم جزئی جزئی:

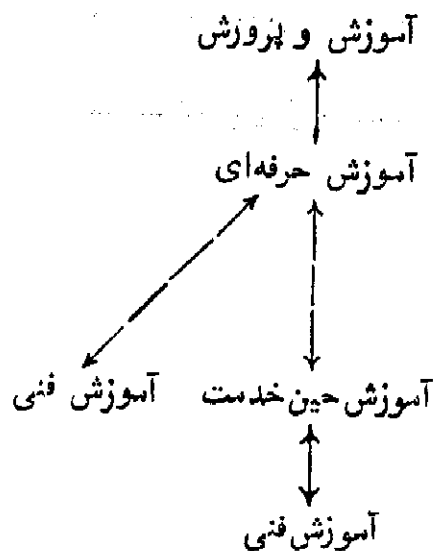
برخی از موضوعات ضمن آنکه در مقام موضوع جزئی قرار گرفته اند، در مقام موضوع جزئی تر از جزئی هم قرار دارند. این مسئله باعث شده تا این موضوع تکرار شود که این تکرار بی مورد است. اگر رابطه های جزئی و کلی را با خط اتصال و پیوند نشان دهیم شبکه هایی که بوجود می آیند به قرار زیرند:

سه موضوع آخرالزمان، معاد و رستاخیز چنین شبکه ای دارند:

همانگونه که سلاحظه می شود موضوع رستاخیز هم با واسطه معاد، موضوع جزئی تر و آخرالزمان است و هم بی واسطه. منطقیاً شاخه چپ این شبکه زاید است.

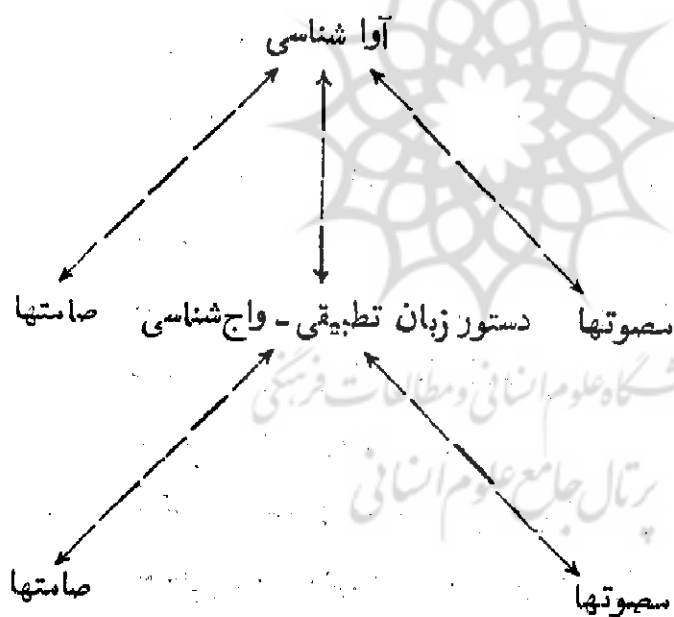


همچنین است موضوعات آموزش حرفه ای، آموزش حین خدمت و آموزش فنی.



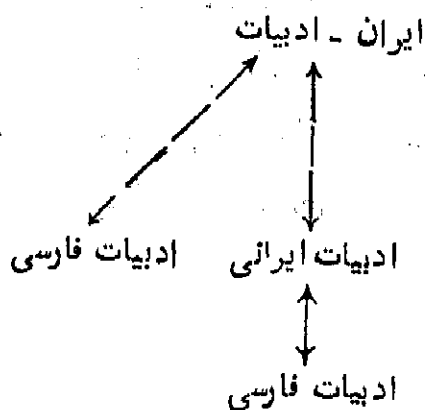
در اینجا نیز شاخه چپ زاید است.

موضوعات صامت‌ها و مصوت‌ها نیز در ۲ موضع جزئی و جزئی‌تر از جزئی قرار گرفته‌اند. در این شبکه شاخه‌های چپ و راست بالا زاید است.



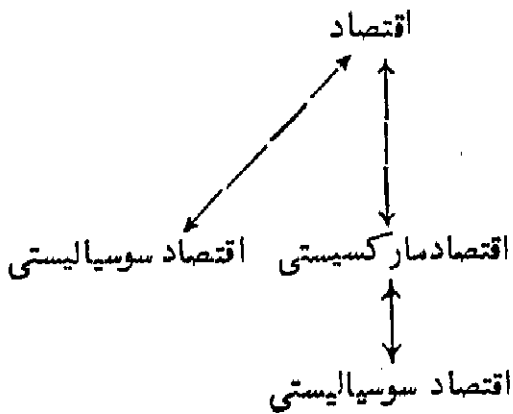
موضوع ادبیات فارسی در این شبکه :

منطقاً شاخه چپ زاید است.



اقتصاد سوسیالیستی در این شبکه :

منطقاً شاخهٔ چپ زاید است.



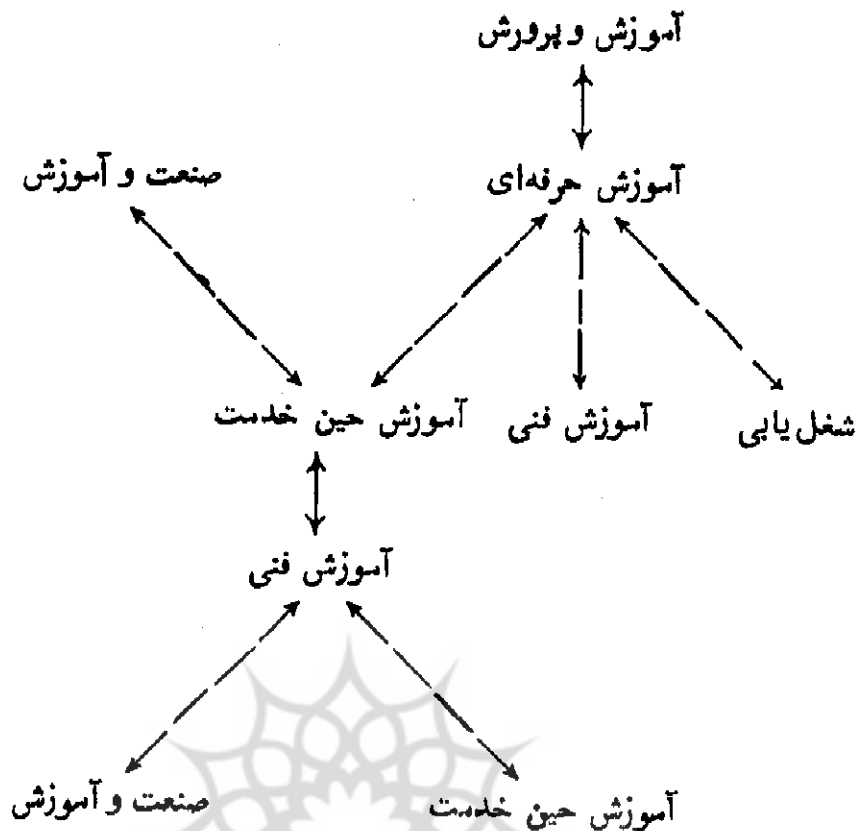
۲- ارتباط یکجانبه یا یکسویه

ارجاعات در فهرستها معمولاً دوسویه هستند یعنی از یکسو ارجاع به و از سوی دیگر ارجاع از ، از یکسو رابطهٔ جزئی و از سوی دیگر رابطهٔ کلی ، از یکسو رابطهٔ همطرازی و از سوی دیگر نیز رابطهٔ همطرازی. فهرست مورد بحث نیز چنین شیوه‌ای را اتخاذ کرده است اما در بعضی موارد ، ارتباط متقابل برقرار نشده است. به چند مورد از این موارد اشاره می‌شود:

- از موضوع انتشارات دولتی به اسناد ملی، رابطهٔ همطرازی وجود ندارد.
- از موضوع کشورهای کمونیستی ، به اروپای شرقی ، ارجاع کل به جزء وجود ندارد.
- از موضوع موسیقی دانان به آهنگ‌سازان ، ارجاع کل به جزء موجود نیست.
- از موضوع امثال وحکم به ضرب‌المثلها ، ارجاع کل به جزء وجود ندارد.
- از موضوع توحید به وحدت‌گرایی، ارجاع جزء به کل وجود ندارد.
- از موضوع یکتاپرستی به وحدت‌گرایی ، ارجاع همطرازی وجود ندارد.

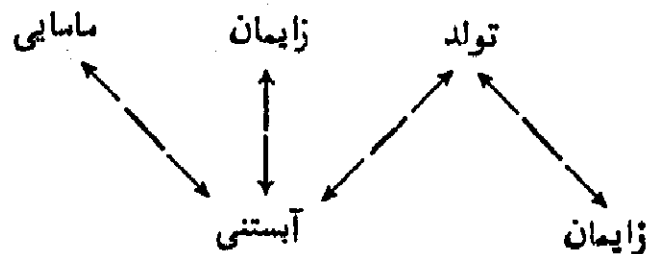
۳- مخدوش بودن شبکهٔ ارجاعات:

در برخی از شبکه‌های ارجاعی ، بی‌نظمی و آشفتگی به چشم می‌خورد. مثلاً بین موضوعات آموزش و پرورش ، آموزش حرفه‌ای ، آموزش حین خدمت ، شغل‌یابی ، آموزش فنی و صنعت و آموزش که در فهرست به صورت موضوعات مرتبط آمده‌اند چنین روابطی موجود است:



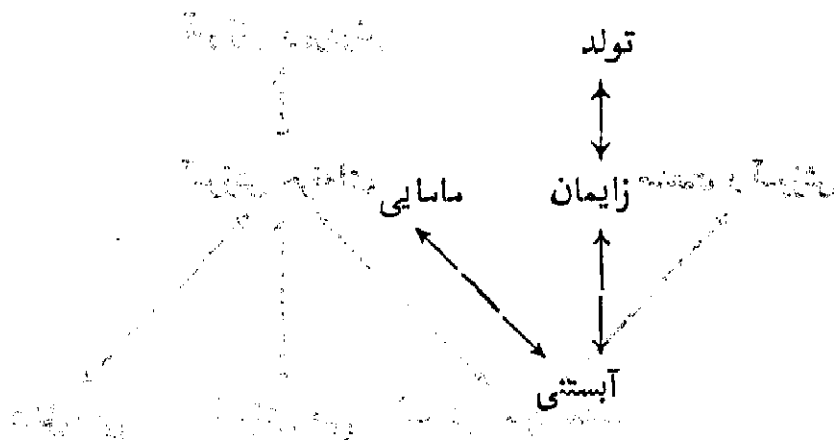
همانگونه که ملاحظه می‌شود در این شبکه اولاً موضوعات صنعت و آموزش، آموزش حین خدمت و آموزش فنی هر یک دویار ظاهر شده‌اند که اشکال شبکه‌ای است. ثانیاً آموزش حین خدمت یکبار جزئی تر از آموزش فنی است و یکبار کلی تر از آن. موضوع صنعت و آموزش یکبار جزئی تر از آموزش فنی است و بار دیگر دو حلقه کلی تر از آنست. موضوع آموزش فنی یکبار مستقیماً جزئی تر از آموزش حرفه‌ایست و یکبار با واسطه آموزش حین خدمت.

بین موضوعات زایمان، تولد، آبستنی و ماسایی، چنین شبکه‌ای تشکیل شده است:



در اینجا نیز موضوع زایمان تکرار شده است و نظم شبکه را بهم ریخته است. ظاهراً

شکل صحیح این شبکه بایستی چنین باشد:



ع- قانونمند نبودن روابط همطرازی:

شاید بتوان گفت ضعیفترین پیوندها و ارتباطات در اصطلاحنامه‌ها و سرعنوانهای موضوعی، رابطه همطرازی است. معیارهای همطرازی موضوعات، معمولاً بیشتر تحت تأثیر ذهنیت و نوع برخورد تدوین کنندگان است تا رابطه محتوایی و مفهومی. به همین لحاظ نمی‌توان عملاً بر اساس تعریفی جامع و مانع، رابطه‌ای همطرازی بین موضوعات برقرار ساخت. مثلاً در فهرست سرعنوانهای فارسی، با توجه به روابطی که بین برخی از موضوعات برقرار شده می‌توان بین برخی دیگر از موضوعات رابطه همطرازی برقرار کرد که برقرار نشده است. برخی از موضوعاتی که بین آنها رابطه همطرازی وجود دارد به شرح زیر است:

اسلام و موسیقی	با	موسیقی اسلامی
آبستنی - پیشگیری	با	تنظیم خانواده
ادیان	با	دین
استعمار	با	سیستمرها
اسپانیا	با	اندلس
آریائی‌ان	با	اساطیر آریایی
آتش سوزی	با	آتش نشانی
اسلام - تاریخ - ۴۱ - ۱۳۲ ق	با	اسویان
اقیانوس شناسی	یا	اقیانوسها و دریاها
بورژوازی	با	پرولتاریا

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا با توجه به رابطه همطرازی بین موضوعات فوق، بین موضوعات زیر نیز نمی‌تواند چنین رابطه‌ای برقرار باشد؟

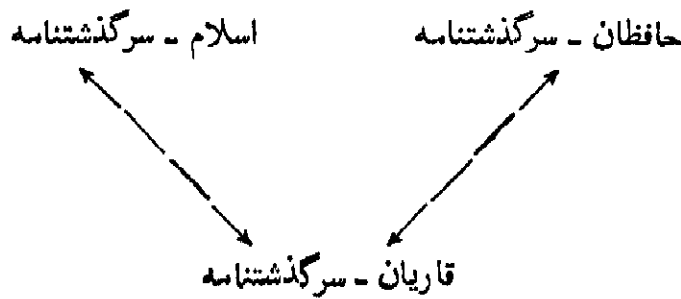
اسلام و هنر	با	هنر اسلامی
اسلام و حقوق	با	فقه

پزشکی اسلامی	با	اسلام و پزشکی
اسامت	با	ولایت فقیه
شهرنشینی	با	کوچ
علوم اسلامی	با	اسلام و علوم
جنگ	با	صلح
اساطیر مصری	با	مصر - دین و اساطیر
سنگها و سنگ سرس	با	سنگ شناسی
روستاها - اوضاع اجتماعی	با	جامعه شناسی روستایی
ترکیه	با	آسیای صغیر
کشورهای کمونیستی	با	کمونیسم
فاشیسم	با	آلمان - تاریخ ، ۱۹۳۳ - ۱۹۴۵
مستضعفان	با	طبقات برتر
با کتریها	با	با کتری شناسی
جلبکها	با	جلبک شناسی

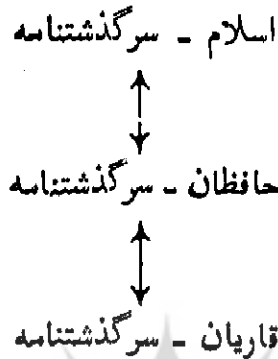
ه- ارجاعات زاید و کور و غلط :

بعضی ارجاعات بکار رفته در فهرست ، سشکلی را حل نمی کنند و صرفاً به ججیم شدن فهرست می انجامد و برخی دیگر ، در فهرست وجود ندارند ، مثلاً ذیل موضوع اسلام و دولت به موضوع جزئی تر قرآن و دولت ارجاع داده شده است ، اما ذیل قرآن و دولت نیز به اسلام و دولت - جنبه های قرآنی ارجاع داده شده است. ذیل موضوع اقتصاد بین الملل ، به موضوع جزئی تر خاورمیانه - روابط اقتصادی خارجی ارجاع داده شده است که وجود ندارد. موضوع نویسندگان اسلامی به صورت جزئی موضوع نویسندگان شیعه آمده که غلط است و عکس آن صحیح است. موضوع اندلس ، به صورت جزئی موضوع اسپانیا آمده اما ذیل اسپانیا، اندلس به صورت موضوع همطراز آمده است. موضوع یهودیت و اسلام جزئی موضوع اسلام و یهودیت و موضوع زردشتی و مسیحیت ، جزئی موضوع مسیحیت و زردشتی آمده که از لحاظ محتوای موضوعات چنین رابطه ای صحیح به نظر نمی رسد. موضوع شیعه - دفاعیه ها و ردیه ها نسبت به موضوع اهل سنت - دفاعیه ها و ردیه ها، کلی محسوب شده است که غلط است و شیعه نسبت به اهل سنت کلی تر نیست.

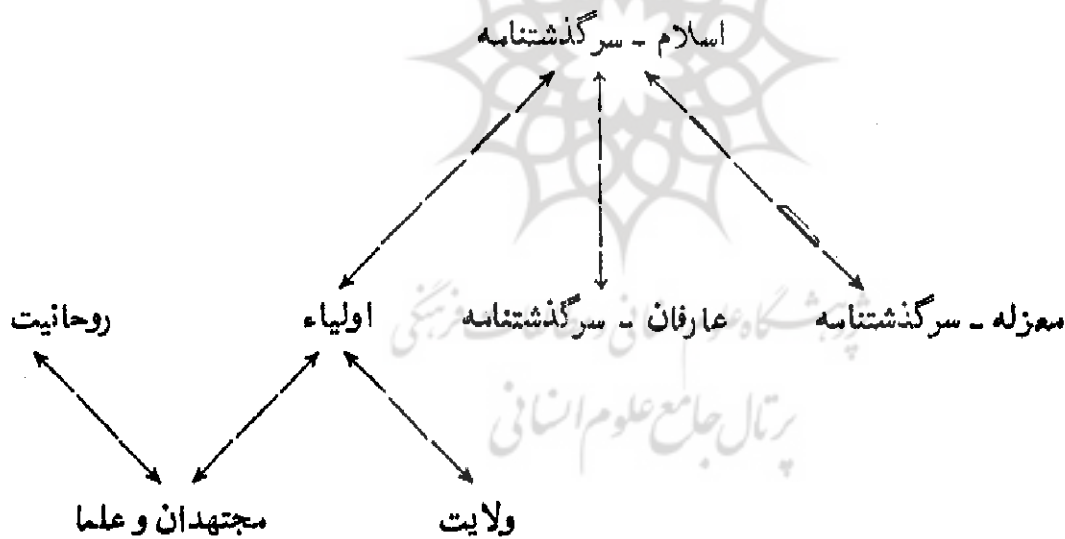
۶. مواردی از موضوعات می توانسته اند در درون روابط کل و جزء قرار بگیرند ولی نگرفته اند مثلاً این سه موضوع اسلام - سرگذشتنامه ، قاریان - سرگذشتنامه و حافظان - سرگذشتنامه این رابطه ها برقرار شده است :



که این سه موضوع را می توان به شکل زیر آورد :



و یا موضوع روحانیت در این شبکه :



می توان روحانیت را به اسلام متصل نمود به نحوی که با اولیاء حالت همطرازی داشته باشد. در خاتمه این بخش بایستی از شیوه نشان دادن موضوعات همطراز سخن گفت که شیوه ایست نامناسب. واقعیت اینست که می توان بجای آوردن موضوعات همطراز هم در بخش موضوعات کلی تر و هم در بخش موضوعات جزئی تر، علامت مناسبی برای آن اختیار کرد تا ضمن آنکه مجبور به تکرار موضوع نشده و فهرست را بیمورد حجیم نکرده باشیم، از بروز اشتباهات خواننده که ممکن است یکی از این بخشها از نظرش دور بماند، جلوگیری نمائیم.

هماهنگی و یکدستی:

مهمترین اصل در تدوین سرعنوانهای موضوعی، رعایت هماهنگی و یکدستی در ساخت موضوعات است. (این اصل توسط ویرایشگران محترم نیز در مقدمه تصریح شده است). اما در بعضی موارد، چندگونگی هایی به چشم می خورد که مختصراً برخی از آنها ذکر می شود:

در فهرست، هنر اسلامی موضوع جزئی اسلام و هنر است - بر این اساس پزشکی اسلامی هم بایستی جزئی اسلام و پزشکی باشد و حال آنکه کلی آن است. همچنین بر همان اساس اخلاق اسلامی بایستی جزئی اسلام و اخلاق باشد و حال آنکه کلی آن است.

در فهرست موضوعات پزشکان اسلامی، نویسندگان اسلامی، معماران اسلامی و دانشمندان اسلامی وجود دارد اما بجای شیمیدانان اسلامی، ترکیب شیمیدانان - کشورهای اسلامی به کار رفته است.

موضوعات و مباحث مختلفی که در اسلام مطرح است به شکلهای گوناگونی ساخته شده اند. مثلاً موضوعاتی مانند صدقه، مالیات، صلح، اقتصاد، رهبری، عدالت، ازدواج، اخلاق، موسیقی، مالکیت، کار، جامعه شناسی و مدیریت مباحثی هستند که دین اسلام نسبت به آنها نگرش خاص خود را دارد و یا قوانین و احکام خاصی درباره آنها وضع کرده است. اینک ببینیم هر یک از این موضوعات و مباحث، چگونه در فهرست ساخته شده و یا به کار رفته اند:

صدقه در اسلام	صدقه
مالیات اسلامی	مالیات
اسلام و صلح	صلح
اسلام و اقتصاد	اقتصاد
رهبری علوم انسانی	رهبری
عدالت (اسلام)	عدالت
زناشویی (اسلام)	ازدواج
اخلاق اسلامی و اسلام و اخلاق	اخلاق
موسیقی اسلامی و اسلام و موسیقی	موسیقی
مالکیت (فقه)	مالکیت
اسلام و کار	کار
فلسفه اسلامی و فلسفه و اسلام	فلسفه
جامعه شناسی اسلامی	جامعه شناسی
اسلام - مدیریت	مدیریت

همانگونه که ملاحظه می شود برای این مباحث شکل های مختلف سرعنوانی از قبیل

تک واژه ، صفت ووصوف ویا اضافه ، عبارت با حرف اضافه «و» و عبارت با حرف اضافه «در» ، توضیحگر و تقسیم فرعی بکار گرفته شده است. حتی در دوسورد آخر که هر دو شاخه‌هایی از علوم جدید هستند ، دو شکل متفاوت بکار رفته است.

در فهرست موضوعات آب - مهندسی ، اتومبیل - مهندسی و برق - مهندسی بکار رفته است ولی در سورد مهندسی بهداشت این ترکیب با علامت کاما بکار رفته یعنی بهداشت ، مهندسی. ذیل موضوع اقلیتها - همانگونه که پیشتر آمد - هیچگونه دستورالعملی مبنی بر اینکه اقلیتهای ملی و مذهبی یک کشور چگونه موضوع قرار گیرند نیامده است و در نتیجه فهرست نویس ملاک مشخصی ندارد. اما ذیل موضوع مهاجرت گفته شده که اقلیتهای ملی ساکن یک کشور را با نام آن ملیت و کشور متبوع بسازید مثل: اعراب اسرائیل، اگر این دستورالعمل در سورد اقلیتهای مذهبی نیز صادق باشد ، آن وقت بایستی موضوع مسلمانان شوروی ، مسلمانان انگلیس و غیره داشته باشیم اما فهرست در سورد این موضوعات ترکیب زیر را ارائه داده است: مسلمانان - شوروی یا مسلمانان - انگلستان و آرامنه - ایران .

ذیل موضوع جنبشها و قیامها گفته شده که این موضوع را می توان در تقسیمات تاریخ کشورها آورد. در تاریخ ایران ، دوره پهلوی این موضوع به همان شکل جنبشها و قیامها آمده است اما در تاریخ ایران، دوره قاجاریه به صورت جنبشها آمده است. در مقابل موضوعات Chemical industries و Electric industries ، ترکیبات صنایع شیمیایی و صنایع برقی آمده است اما در مقابل Mineral industries بجای صنایع معدنی ، معدن و ذخایر معدنی - صنایع آمده است.

برای موضوع استخراج آب ، تقسیم فرعی استخراج آمده است اما برای استخراج نفت، تقسیم فرعی حفاری و استخراج آمده است.

برخی موارد دیگر:

بعضی از موضوعات نیازمند تقسیم جغرافیایی هستند که تقسیم نشده است مثل گاهشماری زیرا گاهشماری در کشورهای مختلف به صورتهای گوناگون به کار می رود. این موضوع بویژه در گذشته بیشتر صادق بوده است. همچنین موضوع داستان و داستان نویسی احتیاج به تقسیم جغرافیایی دارد. مثلا کتابی درباره داستان نویسی در ایران، جنبه جغرافیایی دارد که بایستی در موضوع ملحوظ گردد.

بعضی از سرعنوانها نا آشنا و دور از ذهن است مثل اقتصاد بین الصنایع ، کودکان مادران شاغل و مسئله شرق . بعضی نیز بی معنی هستند مثل اسلام - تاریخ - فلسفه .

کلمه روحانیت در انتهای ارجاع انقلاب مشروطه ، ص ۹۳ زاید است.

محل قرارگیری موضوع کنترل متقابل اجتماعی از لحاظ الفبایی غلط است. در خاتمه یادآور می‌گردد که مقاله‌ای تحت‌عنوان «نقدی بر کتاب سرعنوان موضوعی فارسی» به قلم آقای مرتضی کوکبی در مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران، دوره جدید، شماره اول، زمستان ۱۳۶۶ درج گردیده که حاوی نکات و تذکرات مفید است. با آرزوی توفیق برای همه همکاران تلاشگر کتابخانه ملی و ویراستاران محترم و با امید به اینکه این مجموعه ناچیز بتواند خدمتی در جهت تصحیح ویرایشهای بعدی این اثر عظیم و ستودنی انجام دهد.

خرداد ۱۳۶۸





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی